

تفکرات دینی دانش آموزان با رویکرد پدیدارشناسی

شلیر رحمانی^۱

^۱ کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش بهسازی منابع انسانی

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تفکرات دینی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر مهاباد انجام شد. نوع این پژوهش، کیفی و روش آن، پدیدارشناسی است. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دوره ابتدایی شهر مهاباد است. حجم نمونه بر اساس منطق اشباع نظری تعیین شد و افراد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند متوالی انتخاب شدند که در مجموع ۱۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. در این مطالعه، به منظور برآورد میزان روایی چک لیست مصاحبه از معیار اعتبارپذیری (واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش) با بکارگیری رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل برای ارزیابی روایی استفاده شد. همچنین برای ارزیابی پایایی از راهکارهای هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرآیندهای ساختارمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا، وجود حداقل سه نفر برای انجام مصاحبه به صورت جداگانه بهره گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش از روش تحلیل تفسیری استفاده شد که حاوی سه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. یافته‌ها نشان داد که در ذهن دانش آموزان دوره ابتدایی جهنم تصویر واضح تری داشته و دست یافتنی تر و ملموس تر از بهشت است و خداوند خالق تمام مخلوقات و قابل ستایش و عبادت است که در این دنیا برای امتحان انسان ها آفریده شده اند که از طریق مرگ به دنیا آخرت سفر می کنند.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، دانش آموزان دوره ابتدایی، تفکرات دینی

مقدمه

دین تنها یک پدیده اجتماعی و تاریخی نیست، بلکه برای بسیاری از افراد بشر، حکم یک مسئله مهم شخصی را دارد (یانگ؛ ۲۰۱۴). انسان ها به طور طبیعی، افزون بر تأثیرپذیری های پیرامونی، از باورها و عملکردهای خود نیز تأثیر می پذیرند (پناهی، ۱۳۹۷). تا زمانی که سلامت و بهنجاری اعتقادی حاصل نشود، سلامت روانی هم حاصل نمی گردد. علاوه بر آن وجود دین برای تکامل مادی و معنوی انسان ضروری است و فرد و اجتماع هر دو به اجرای مقررات و احکام دین که به منظور هدایت بندگان به سوی سعادت حقیقی تشریع گردیده است، احتیاج دارند. دین در اصلاح فرد و جامعه تأثیر عمیق دارد موجب توسعه دید و فکر انسان ها و رشد عقل می شود و منجر به ظهور صفات زیبای اخلاقی و امتیازات انسانی می شود (شایسته خوی، ۱۳۹۴). از آنجا که انسان فطرتاً موجودی است خداجو و برنامه ها و دستورات دینی نیز براساس نیازهای فطری، سلامت جسم، بهداشت فردی و اجتماعی و رشد تعالی شخصیت انسان استوار می باشد (انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۹). بنابراین پرداختن به باورهای دینی در بین افراد یک جامعه امری مهم به نظر می رسد. در این پژوهش سعی بر این است تا بر حسب توان، فرصت، زمان، امکان و وظیفه، گامی ناچیز در راه توصیف باورهای دینی دانش آموزان برداشته شود و ضمن ایجاد زمینه مناسب برای بازاندیشی و تهییج متولیان امر و والدین به آسیب های موجود و محتمل در حوزه باورهای دینی نوجوانان و فرزندانشان، تلنگری به اندیشه و باور نوجوانان وارد کرده چالش ها را در حوزه باورهای دینی بازنمایی نموده و در نهایت راهکارهایی را برای بهبود تفکرات دینی و دینداری دانش آموزان ارائه گردد.

دین پدیده ای مرکب از انواع پدیده ها و واقعیات متعدد است. بخشی از پدیده واقعیات پیرامون دین، جنبه های روانشناختی آن است که شامل مؤلفه هایی از جمله، رفتارها و محیط اجتماعی می باشد. بر اساس تعداد معانی، ارزشها، باورها هیجانات عنوان پدیده ارائه شده برای دین اندیشمندان مسلمان نیز به دین به این ساختاری نگریسته و آن را راه و روشی دانسته اند که ابعاد آن، تمامی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را به یک هدف کلی و متعالی که همانا سعادت و خوشبختی است رهنمون می سازد (خدایاری فرد، غباری بناب و شکوهی یکتا، ۱۳۹۸).

امروزه کودکان در سپهر بیکران اطلاعات و ارتباطات و در معرض پیام های بیشمار دینی قرار دارند که این مسئله، هشیاری درباره مخاطبان کم سن و سال را وظیفه ای انکارناپذیر می سازد. یکی از مباحثی که دست اندرکاران حوزه ی تعلیم و تربیت باید به طور گسترده با آن آشنایی پیدا کنند، نحوه استنباط کودکان در سنین مختلف، از موضوعات و مفاهیم دینی است. به یقین تفکر دینی آنان را می توان در همین مفاهیم و برداشت های گوناگون جستجو کرد (باهنر، ۱۳۹۷).

کودک فطرتی خدا آشنا دارد و مبانی بسیاری از تفکرات دینی در درون او هست که با اندک تذکری از اولدین و مربیان و یافتن مصادق هایی در جهان خارج می کشد آن را بپذیرد و خود را با آن تطابق دهد. شکی نیست که معنی و مفهوم دین و تعالیم آن بسیار و در برگیرنده ی همه جوانب حیات انسان است. ولی کودک از دین آن چیزی را می پذیرد که متناسب با خواسته های او و مبتنی بر مشاهدات، تجارب و یافته های شخصی اوست. به تدریج که رشد کودک بیشتر می شود و آگاهی هایی پیدا می کنند دامنه ارتباط او با دین بیشتر شده و موجب پیدایش حالاتی در کودک می شود که می توان آن را حالات دینی

خواند. حالاتی که در غالب موارد تجلیات آن در سنین هفت تا هشت سالگی به چشم می خورد(طلائیان، ۱۳۹۹).

معرفت و شناخت خدا در آموزه های دینی جایگاه ویژه ای و ابواب مفصلی را در متون روایی به خود اختصاص داده و به عنوان اول دین بیان شده است(دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳). همچنین از شناخت الهی به عنوان اول عبادت نیز یاد شده و کمال شناخت در معرفت حضرت حق است(خوانساری، ۱۳۹۳). سال های اولیه کودکی فرصتی استثنایی برای ایجاد چهارچوبی معنی در کودک می باشد. در این دوره کودکان بیشترین آمادگی را برای فراگیری اطلاعات دینی دارند. این امر وظیفه والدین را در این دوره حساس تر می سازد. بنابراین آگاهی از سبک های شناخت خداوند در کودکان، می تواند نقشی کلیدی برای والدین داشته باشد و فرایند آموزش مفهوم خداوند را برای آنان تسهیل سازد(ترنت، اسپورن و بروئر، ۲۰۱۷). بدیهی است که هر چقدر کودکان با مفهوم خداوند بیشتر آشنا باشند آنان برای کنار آمدن با چالش های زندگی آماده تر خواهند بود(برایس^۲، ۲۰۱۸). در این رابطه بیل برایت معتقد است تمام مشکلات انسان را می توان در عدم درک صحیح خداوند ردیابی کرد. بنابراین او معتقد است ساخت مفهوم خداوند در کودکان امروز می تواند آنها را برای دنیای آلود فردا آماده سازد(برایت^۳، ۲۰۱۷).

در قلمرو نظری می توان گفت که در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، زمینه برای ایجاد یک تحول عظیم در دیدگاه و فلسفه آموزش و پرورش به وجود آمد. افکار و نظرات نافذ و ارزشمند متفکران و مربیانی در تعلیم و تربیت، انقلابی را همانند انقلابی که ریاضیدان و منجم معروف، کپرنیک در علم نجوم به وجود آورد، پدیدار نمود. این تحول که به انقلاب کپرنیکی در تعلیم و تربیت معروف، توجه مربیان را از انتقال دادن دانش آن هم به صورت حفظ کردن طوطی وار مطالب و انباشتن ذهن شاگردان با اطلاعات خشک کتابی و مطالب زائد و دروس کهنه به سوی طبیعت و ماهیت یادگیرنده و لزوم توجه به استعدادها، علاقه ها و توانایی هایش معطوف نمود. این انقلاب در حقیقت نقطه عطفی در تعلیم و تربیت به وجود آورد و راه را برای تنظیم برنامه های آموزشی و مواد درسی منطبق با طبیعت کودک، ماهیت و نیازها و احتیاجات او هموار نمود. بر این اساس در زمینه ی رشد تفکر دینی کودکان کارهای متعددی صورت پذیرفت. از جمله آثار کلاسیک می توان به تحقیق سال ۱۹۲۹ میلادی ژان پیازه با عنوان چگونگی تفکر کودکان درباره جهان و تحقیق سال ۱۹۳۰ میلادی در مسئله ی جاندارپنداری، نظریه هارمس^۴(۱۹۴۴) و نظریه گلدمن^۵(۱۹۶۴)، اشاره داشت.

هارمس با انجام پژوهشی بر روی ۴۸۰۰ کودک آمریکایی که در سن ۸ تا ۱۸ سال بودند، دریافت که رشد مفهوم خداوند در کودکان را می توان در سه مرحله طبقه بندی کرد. مرحله اول اسطوره ای (۳ تا ۶ سال)، نام دارد که در آن کودکان تفاوت کمی بین خداوند و اسطوره ها را در نظر می گیرند. مرحله دوم، مرحله واقع گرایانه (۶ تا ۱۱ سال)، نام دارد، در این مرحله قابلیت های شناختی کودک افزایش پیدا می کند. آنها خداوند را عینی تر در نظر می گیرند و از نمادهای دینی بیشتری استفاده می کنند.

^۲.Brith

^۳.Brghit

^۴.Harmeis

^۵.Goldman

مرحله سوم مرحله فردی نگری (نوجوانی)، نام دارد. در این مرحله، نوجوان تنها به نمادهای دینی تکیه نمی‌کند و رویکردی منحصر به فرد برای خود انتخاب می‌کند که از نوجوانی به نوجوانی دیگر متفاوت است (هود، هیل و اسپیلکا، ۲۰۱۹). گلدمن معتقد است چنانچه تجربه‌های دینی کودکان در خانه، مدرسه و محیط های دینی افزون شوند و شیوه های تعلیم و تربیت مناسبی به کار رود، می‌توان از این تأخیرها، وگرنه با بزرگسالی مواجه می‌شویم که هنوز در تفکر دینی خود درگیر محدودیت کودکی خود است و درک ناقصی از مفاهیم و باورهای دینی دارد (نوروزی، ۱۳۹۸).

بنابراین براساس مطالب بیان شده تفکراتی در وجود کودک ایجاد می‌شود که خدا کیست، تلقی کودک از مرگ، تلقی از بهشت و جهنم، تلقی کودک از خداوند و ارتباط کودک با خداوند از جمله مواردی است که می‌تواند در تفکرات دینی کودکان ایجاد شود و پی بردن به خلاءهای اعتقادی، اخلاقی، عاطفی و معنوی توسط والدین و دست‌اندرکاران تربیت می‌تواند، کمک بزرگی در تسهیل زمینه مناسب برای شکل‌دهی و شکل‌گیری هویت دینی نوجوانان و کاهش آسیب‌های رو به تزاید در این حوزه و تقویت دین‌باوری در آینده داشته باشد و بررسی تفکرات دینی دانش آموزان با رویکرد پدیدارشناسی امری لازم با توجه به شکاف تحقیقی است و در پی پاسخ به سوال که تفکرات دینی دانش آموزان با رویکرد پدیدار شناسی به چه شیوه ای است.

روش شناسی پژوهش

نوع این پژوهش، کیفی^۶ است. پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه‌ای از تکنیک‌های تفسیری که به دنبال توضیح دادن، کشف رمز، ترجمه و دیگر موضوعاتی است که با معانی و مفاهیم ذهنی ارتباط دارند نه کمیت و میزان وقوع یک حادثه خاص در طبیعت. از پژوهش کیفی می‌توان در مراحل مختلفی از تحقیق مانند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها استفاده کرد. هدف پژوهش کیفی این است که به شناختی عمیق از موقعیت دست یابد (بازرگان، ۱۳۸۷).

یکی از روش‌های پُرکاربرد و معتبر پژوهش کیفی که این مطالعه، از آن استفاده می‌کند، روش پدیدارشناسی^۷ است. روش پدیدار شناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع، و توصیف آنها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزش گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی. در نگاه دیگر، اگر پدیدار شناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و مکان به دست می‌آید و شناسایی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود؛ یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان که آن را «تجربه زندگی» می‌نامند. چنری و اسرینیواسان، (۱۹۸۸). پدیدار شناسی یک نحله‌ی اجتماعی فلسفی و به بیان برخی از اندیشمندان نوعی روش شناسی است که درصدد بررسی و درک تجربه‌ی زیسته^۸ مشارکت کنندگان یا کنشگران است و در این راستا تلاش می‌کند از طریق مطالعه ساختارهای آگاهی و نیت‌مندی به صورتی که از دیدگاه اول شخص تجربه می‌شود شیرازه یا ماهیت اصلی نمود یا پدیده را کشف و برملا سازد. بنابراین پدیدار شناسی با زمان حال و تجربه‌های زنده افراد و گروه‌ها

^۶ Qualitative

^۷ Phenomenology

^۸ life experience

^۹ Lived Experience

سروکار دارد و می‌تواند درک عمیقی از این تجربه‌ها از دیدگاه خود کنشگر یا گروه ارائه دهد. از نظر هوسرل^۱ (۲۰۰۲)، پدیدارشناسی با بازتابش و مطالعه نظام‌مند ساختارهای آگاهی و پدیده‌ها سروکار دارد. پدیدارشناسی، مطالعه‌ی تجربه زیسته است. پدیدارشناسی به جهان، آنچنان که به وسیله یک فرد زیسته می‌شود، توجه دارد. لذا این پرسش را مطرح می‌سازد که "تجربه زیسته چه نوع تجربه‌ای است؟" (امامی سیگارودی، صلصالی، بصیری، ۱۳۹۱). تجربه زیسته، عبارت است از یک تجربه بی واسطه و حضوری از چیزی تجربه‌ای که در آن بین عالم و معلوم، بین تجربه گر و تجربه شونده، اتحاد و هویت برقرار است. تجربه زیسته در مقابل تجربه دسته دوم است، یعنی تجربه‌ای که با واسطه و حصولی است، اما به نظر دیلتای^۲ ادر علوم انسانی، تجربه از نوع تجربه زیسته که بی واسطه است، جریان دارد. افکار وی در این خصوص در عبارت مشهور و موجز وی چنین بیان شده است، اما طبیعت را توضیح می‌دهیم، اما انسان را باید بفهمیم». فهم با تفاهم همراه است و از طریق ارتباط میان جوینده فهم و موضوع مطالعه او که همان عالم زندگی با تجربه زندگی است فراهم می‌آید. مفهوم «تجربه زندگی» یا «تجربه زیسته» در قلب هرمنوتیک دیلتای جای دارد (پالمر^۳، ۱۳۷۷). جامعه آماری کلیه دانش آموزان دوره ابتدایی شهر مهاباد به تعداد ۵۰۰۰ نفر بود که در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در این شهر به تحصیل مشغول بودند. حجم نمونه بر اساس منطق اشباع نظری تعیین می‌شود به این معنا که نمونه گیری تا زمانی که اطلاعات به دست آمده تکراری نباشد، ادامه می‌یابد. افراد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی، انتخاب آگاهانه افراد یا عناصر مشخص برای پژوهش توسط پژوهشگر می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند از جمله روش‌های مهم نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی است که در آن محقق با افرادی که به موضوع مطالعه شده آگاهی کافی داشته و مستقیماً با وضعیت مطالعه شده درگیرند مصاحبه می‌کند. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در پژوهش حاضر، تحلیل تفسیری است. در این روش، پژوهشگر درصدد است تا در حد امکان به آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن نوشتاری مصاحبه بپردازد. اولین گام در تحلیل تفسیری، تلفیق کلیه داده‌های مورد پژوهش و تشکیل یک پایگاه اطلاعاتی است. گام بعدی دیگری که یکی از مهمترین مراحل تحلیل تفسیری داده‌ها است، تدوین مقوله، طبقه یا حیطه‌هایی است که اطلاعات را به صورت مناسبی در بر می‌گیرد و در عین حال آنها را خلاصه کند. در این مرحله، پژوهشگر باید در مورد اینکه چه مطالبی در درون هر بخش مهم است، تصمیم گیری کند. گام بعدی نشانه گذاری کردن بخشها (اجزاء) است. هر یک از بخشها باید مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود که آیا پدیده توصیف شده در آن در یکی از مقوله‌های نظام مقوله بندی قرار می‌گیرد یا خیر؟ گام آخر، گروه بندی بخشهای مقوله هاست. پس از نشانه گذاری، بخشهایی را که تحت یک مقوله نشانه گذاری شده، در کنار هم قرار دهد.

یافته های تجربی

یافته‌های مربوط به سؤال اول:

تفکرات دینی دانش آموز در ارتباط با خداوند به چه شیوه‌ای است؟

^۱. Husserl

^۲. Dilthey

^۳. Palmer

جدول. Error! No text of specified style in document. جدول کدهای مربوط به سؤال ۱

| کدهای انتخابی (درونمایه) | کدهای محوری (طبقه ها) | کدهای باز | تفکرات دینی دانش آموز به چه شیوه‌ای است؟ |
|---------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|
| توجه به تفکرات درست دینی، بیان درست ارتباط با خداوند و انتخاب بر عهده دانش آموز | ارتباط با خداوند، مطالعه در مورد خداوند، مدرسه، وضعیت تفکرات دینی دانش آموزان | ارتباط با خداوند، نحوه صحبت کردن با خداوند، آگاهی از وجود خداوند | |

نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب وضعیت تفکرات دینی دانش آموزان در دوره ابتدایی در کد انتخابی توجه به تفکرات درست دینی، بیان درست ارتباط با خداوند و انتخاب بر عهده دانش آموز، طبقه بندی شده است. بر این اساس می‌توان اذعان کرد که بنابر نظر دانش آموزان دوره ابتدایی وضعیت تفکرات دینی در بین دانش آموزان مطابق با نظرات نیست. آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان‌گونه که شناخت خصوصیات و توانایی‌های کودکان در بهینه‌سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش‌های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش‌های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه‌السلام خواهد بود که: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»؛ کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهه‌ای است که هرچه سرعتش بیش‌تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد. در این رابطه، یکی از مصاحبه شونده‌گان اظهار نظر می‌کند: «از اوایل در خانواده نماز و روزه خواندن منم از آنها یادگرفتم و به سؤالاتم که چرا نماز می‌خوانیم و برای چه کسی این کار رو انجام می‌دهیم و همین باعث شد در مورد خداوند یه سری چیزها را بفهمم». مصاحبه شونده‌ی دیگری معتقد است «به نظر من باید بدانی که چه کسی تو رو درست کرده است و شکرگزارش باشی و عبادتش کنی». همچنین، مصاحبه‌ی شونده‌ی دیگری چنین اظهارنظر می‌نماید «اکثر خانواده‌ها الان به مباحث دینی زیاد فکر نمی‌کنند و نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و این باعث می‌شود تفکر دینی در خانواده دور شود».

یافته‌های مربوط به سؤال دوم:

تفکرات دینی دانش آموز در تلقی او از مرگ، به چه شیوه‌ای است؟

جدول. ۱-Error! No text of specified style in document. جدول کدهای مربوط به سؤال ۲

| کدهای باز | کدهای محوری (طبقه ها) | کدهای انتخابی (درونمایه) | تفکرات دینی دانش آموز در تلقی او از مرگ، به چه شیوه ای است؟ |
|---------------------------------------------------------------|----------------------------------------|---------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|
| آشنایی با خالق مخلوقات، دلیل خلقت، مرگ، آگاهی از مرگ انسان ها | تقویت تفکرات دینی، درک مرگ در این دنیا | آگاهی و اطلاعات دینی به دانش آموزان، آگاهی از مرگ | |

نتایج حاصل از یافته های مصاحبه در باب اهداف تفکرات دینی دانش آموزان در رابطه با مرگ کد انتخابی آگاهی و اطلاعات دینی به دانش آموزان، آگاهی از مرگ طبقه بندی شده است. بر این اساس می توان اذعان کرد که بنا بر نظر دانش آموزان دوره ابتدایی باید خانواده و معلمان دانش آموزان را از مسائل دینی مطلع نمود تا خداوند و دلیل خلقت دنیا و آخرت را بدانند. کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می شود که پیازه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است. «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می شود که با وجود رشد استعداد های ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است.» به اعتقاد پیازه، کودکان در این دوره از نظر احساسات و عواطف بیش تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره هرچند از سرعت رشد بدنی کاسته می شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیش تری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن ها در ذهن کودک ثابت می ماند و او چنین تشخیص می دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده اند.

در این رابطه یکی از مصاحبه شوندگان می گفت: «خداوند ما را برای امتحان و آزمایش درست می کنه و بعد از مدتی در این دنیا می میریم و به دنیا دیگر که خداوند در انجاست می رویم»، مصاحبه شونده دیگری اظهار کرد «خانواده از ابتدا باید کم کم کارهای که خداوند دوست دارند انجام دهند تا بچه ها متوجه شوند و خودشان از بین آنها انتخاب کنند» و دیگری گفت: «هدف از آموزش کودکان آینه که ذهنیت مثبتی به محیط داشته باشند».

یافته های مربوط به سؤال سوم:

تفکرات دینی دانش آموز در تلقی او از بهشت و جهنم، به چه شیوه ای است؟

جدول ۲: جدول کدهای مربوط به سؤال ۳

| تفکرات دینی دانش آموز در تلقی او از بهشت و جهنم، به چه شیوه‌ای است؟ | کدهای باز | کدهای محوری (طبقه‌ها) | کدهای انتخابی (درونمایه) |
|---------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|
| | آگاهی از بهشت و جهنم، مباحث دینی در مورد بهشت، درک جهنم | تناسب محتوای بهشت و جهنم با مباحث بیان شده در قرآن | توجه به اصل بهشت و جهنم در عبادت کردن و رضایت خداوند از انسان‌ها |

نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب محتوای درک بهشت و جهنم دانش آموزان در دوره ابتدایی در کد انتخابی توجه به اصل بهشت و جهنم در عبادت کردن و رضایت خداوند از انسان‌ها طبقه بندی شده است. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها که می‌تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه‌مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می‌رسد. کودک فطرتی خدا آشنا دارد، تعلیم و تربیت در اصل عهده‌دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش‌های فطرتی است و معلم پرورش‌دهنده آن‌هاست. در این زمینه، به فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره می‌نماییم که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ی نصرانه»؛ هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می‌سازند.

در این رابطه یکی از مصاحبه شونده‌گان می‌گفت: «اگر در این دنیا نماز بخوانیم و کار بد نکنیم خداوند ما را به بهشت میبرد»، مصاحبه شونده دیگری اظهار کرد «اگر در حق پدر و مادر و مردم خوب باشیم بعد از مرگ در دنیا آخرت به بهشت میریم اگر بد باشیم خداوند از ما ناراضی می‌شود و به جهنم میریم» و دیگری گفت: «بهشت جای آدم‌های خوب و جهنم جا آدم‌های بد است و خداوند از رگ گردن به ما نزدیکتر است». مصاحبه شونده دیگری اظهار می‌کند "در بهشت نعمت‌های فراوان مادی وجود دارد؛ (که با یک جمله و فیها ما تشتهی الانفس و تلذ الاعین) هرچه دل بخواهد و لذت بخش چشم باشد. مسئله را تمام کرده). از جمله: باغ‌های بهشتی، ساختمان‌ها و قصرها، سایه‌های لذت بخش، فرش‌ها و تخت‌ها، غذاها و ظرف‌ها نوشیدنی‌های پاک، لباس‌ها و زینت‌ها، همسران بهشتی، خادمان، پذیرایی کنندگان و

مصاحبه شونده دیگری بیان می‌کنند "در مورد عذاب جهنم باید گفت: عذاب‌ها دو گونه اند، چه این که معاد هم دو جنبه جسمانی و روحانی دارد. مجازات‌های جسمانی عبارت است از: عذاب‌های سخت و سنگین و نوشیدنی‌های آنان، لباس‌های دوزخیان و دیگر عذاب‌های جسمانی که دوزخیان گرفتار آن هستند".

نتیجه گیری

نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب وضعیت تفکرات دینی دانش آموزان در دوره ابتدایی در کد انتخابی توجه به تفکرات درست دینی، بیان درست ارتباط با خداوند و انتخاب بر عهده دانش آموز، طبقه بندی شده است. بر این اساس می‌توان اذعان کرد که بنابر نظر دانش آموزان دوره ابتدایی وضعیت تفکرات دینی در بین دانش آموزان مطابق با نظرات نیست. آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان‌گونه که شناخت خصوصیات و توانایی‌های کودکان در بهینه‌سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول

و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «أَلْعَمِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»؛ کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیشتر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد و آموزش بسیاری از مفاهیم دینی اعم از اصول و مبانی ارزشی، اعتقادی و احکام عملی با استفاده از روش نمایشی قابل آموزش پذیر است. مثلاً در ارتباط با خداشناسی، معلم می تواند دانش آموزان را به نزدیک ساختمانی که عده ای مشغول ساخت و تکمیل آن هستند ببرد تا آنان با مشاهده زحمات و تلاش های فراوانی که برای بنای آن صورت می گیرد، به این نتیجه برسند که ساختمانی به این کوچکی و بساطت نیازمند سازنده ای است، پس این زمین و آسمان ها و دیگر مخلوقات عالم که بسیار عظیم تر و شکوهمندتر می باشند، محتاج خالق آگاه و توانا است.

این نتایج با پژوهش روشن (۱۴۰۰)، همسو است که نتایج نشان داد در تربیت دینی دانش آموزان، دو عامل خانواده و مکتب نقش بسیار برجسته تری نسبت به دیگر عوامل دارند و در واقع این دو عامل هستند که شخصیت افراد را شکل می دهند. در مدرسه هم این معلم است که نقش برجسته تری نسبت به سایر عوامل دارد. با توجه به اینکه تربیت دینی به شناخت آموزه های دین، تبدیل این شناختها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی، تعریف شده است، معلم می تواند با تقویت روحیه ی حق گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش آموزان، الگودهی رفتاری به آنان و انتخاب شیوه ی مناسب در بیان آموزه های دینی و پاسخ مناسب به پرسشها و شبهه ها، دانش آموزان را در راستای تربیت دینی هدایت کند. مکیلانی، درانی و صالحی (۱۳۹۷)، در پژوهشی نتایج نشان داد که دانش آموزان مورد مطالعه، نسبت به باورهای دینی، نگاهی احساسی و به دور از درک اولویت های دینی داشته و بصیرت افزایی دینی از طریق مباحثه بر اصول بنیادینی نظیر، «وسیله بودن عبادت برای شکل گیری عبودیت» و «معیار قضاوت نبودن اشخاص در شناسایی حق یا باطل»، بیش از پیش ضرورت دارد.

به نظر می رسد در میان اصول مطرح شده، آنچه بسیار مهم می باشد، اصل آگاهی بخشی در آموزش مفاهیم دینی است. در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه های اعتقادی، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگارند. چنان که آیه ۳۰ سوره «روم» خود شاهی بر همین دست مایه های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة» نیز بر همین امر دلالت دارد. بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی به کودکان، علی رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی دانند، ممکن و قابل اجراست؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال اضافه نمودن مطلبی بیرون از وجود کودک نیستیم، بلکه غرض از آموزش اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای خشونت و سخت گیری، تحمیل عقیده، القائات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی ماند؛ چرا که این مفاهیم با آموزش بر اساس فهم و آگاهی به هیچ وجه سازگار نیست. از این رو، مهم ترین اصلی که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی قابل اجرا می باشند. اما در میان روش های مطرح شده نیز، آنچه بسیار مهم می باشد، استفاده از روش نمایشی در آموزش مفاهیم دینی است. تجربه های آموزشی ثابت کرده است مفاهیم و آموزه هایی که با استفاده از روش نمایشی آموزش داده می شود، علاوه بر سهولت در یادگیری، از جهت کیفی نیز بهتر و پایدارتر است. استفاده از روش نمایشی از روزگاران پیشین در مراسم های دینی و اعتقادی نقش داشته و مانند زبانی مناسب برای بیان حالت و ویژگی های عاطفی و باورهای اعتقادی به کار رفته است. در جامعه و قبیله های ابتدایی، مراسم دینی بیش تر با استفاده از روش نمایشی بوده، تا آن جا که تاریخچه نمایش و تئاتر امروزی به مراسم و آیین های مذهبی باز می گردد. به دلیل آن که کودکان دبستانی ظرفیت درک و دریافت حقایق انتزاعی را ندارند، از

این‌رو، با استفاده از روش نمایشی می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به آنان آموزش داد.

نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب اهداف تفکرات دینی دانش آموزان در رابطه با مرگ کد انتخابی آگاهی و اطلاعات دینی به دانش آموزان، آگاهی از مرگ طبقه بندی شده است. بر این اساس می‌توان اذعان کرد که بنا بر نظر دانش آموزان دوره ابتدایی باید خانواده و معلمان دانش آموزان را از مسائل دینی مطلع نمود تا خداوند و دلیل خلقت دنیا و آخرت را بدانند.

در این راستا اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به آسیب شناسی تربیت دینی در برنامه درسی پنهان مدارس متوسطه نظری پرداختند. عوامل تاثیر گذار ناشی از روابط متقابل نیروی انسانی نظام آموزشی متوسطه در حیطه الگوهای رفتاری و همچنین عوامل تاثیر گذار قوانین و مقررات بر نظام آموزشی متوسطه نظری در حیطه رفتار، احساسات و عواطف دینی مورد بررسی قرار گرفته شده است. این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی صورت گرفته و ابزار جمع آوری داده ها، مصاحبه های نیمه ساختار یافته و مصاحبه عمیق بود. بر اساس نتایج به دست آمده که از مصاحبه با ۳۰ نفر از واحد مدرسه شامل: ۶ مدیر، ۴ معاون، ۳ مشاور، ۷ معلم و ۱۰ دانش آموز از ۶ مدرسه که از مناطق ۱، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۹ شهر تهران انتخاب شده اند، آسیب شناسی تربیت دینی در برنامه درسی پنهان را می توان در ۲ مقوله اصلی و چند مقوله فرعی به شرح زیر طبقه بندی کرد. عوامل روابط متقابل انسانی (روابط کارکنان با فراگیران، روابط معلمان با فراگیران، روابط فراگیران با یکدیگر و روابط کارکنان با یکدیگر) و قوانین و مقررات مدرسه (قوانین و مقررات و تربیت دینی، کنترل و محدودیت فعالیت های فردی و گروهی فراگیران و فضای دینی حاکم بر مدارس بیشترین تاثیر را بر آسیب شناسی تربیت دینی داشتند.

در تبیین یافته سؤال فوق می توان بیان نمود اعتقادات بخشی از دین اسلام را تشکیل می‌دهد، از این رو دین داری یک فرد مسلمان در صورتی کامل و پذیرفته است که از نظر اعتقادی کمبودی نداشته باشد (نساء/۱۳۶). دوم اینکه بخشی از کارکردهای مهم دین که امروز بر آن تأکید می‌شود وابسته به اعتقادات و حاصل آن است. معنا بخشی به زندگی، معنا دادن به درد و رنج هایی مانند تنهایی، احساس ظلم و بی عدالتی و از بین بردن ترس از مرگ، تنها از عهده دین بر می‌آید. سوم اینکه اعتقاد به عقاید اسلامی- شرط لازم نه شرط کافی- برای پایبندی به دیگر دستورات اسلام است. یعنی اگر کسی به این امور اعتقاد نداشته باشد، هیچ گاه به دستورهای اسلام پایبند نخواهد بود. لذا لازم است تربیت اعتقادی مقدم بر تربیت اخلاقی و عبادی باشد و مرگ را نمی تواند درک کند.

نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه در باب محتوای درک بهشت و جهنم دانش آموزان در دوره ابتدایی در کد انتخابی توجه به اصل بهشت و جهنم در عبادت کردن و رضایت خداوند از انسان ها طبقه بندی شده است. یکی از اساسی ترین ویژگی ها که می‌تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می رسد. کودک فطرتی خدا آشنا دارد، تعلیم و تربیت در اصل عهده دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش های فطرتی است و معلم پرورش دهنده آن هاست.

در راستا پژوهش مکیلانی، درانی و صالحی (۱۳۹۷)، در پژوهشی نشان داد که دانش آموزان مورد مطالعه، نسبت به باورهای دینی، نگاهی احساسی و به دور از درک اولویت های دینی داشته و بصیرت افزایی دینی از طریق مباحثه بر اصول بنیادینی نظیر، «وسیله بودن عبادت برای شکل گیری عبودیت» و «معیار قضاوت نبودن اشخاص در شناسایی حق یا باطل»، بیش از پیش ضرورت دارد. مرتضوی (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی نشان داد که اگر حتی بپذیریم در روش متأثر از هوسرل یا هیدگر است، در جهان بینی نمی تواند با آن ها هم داستان باشد و چنین نیز نیست. پدیدارشناسی کربن یا تأویل، با فراهم ساختن امکان به اول بردن چیزها، نسبت آن ها را با امر قدسی روشن می کند؛ چیزی که منجر به آشکارشدن ساختارهای مشترک ادیان می شود و به مبنایی برای «دین شناسی تطبیقی» و «تقریب ادیان» تبدیل می شود. نوشتار حاضر پس از مقدمه، با

بخشی پیرامون «پدیدارشناسی کربن» ادامه می یابد و پس از طرح هایی پیرامون «اسلام ایرانی» و «تأویل»، با بخشی با عنوان «پدیدارشناسی دینی کربن: از اسلام ایرانی تا تأویل» خاتمه می یابد.

در تبیین یافته سؤال فوق می توان بیان نمود که به طور کلی، به نظر می رسد موضوع بهشت یا جهنم در ذهن کودکان ایران تعاریف مشترکی دارد. اغلب کودکان درک مبهمی از بهشت داشته و از ترسیم انسان در بهشت اجتناب کرده اند. بررسی نمونه ها نشان می دهد که در مجموع درک کودکان از جهنم بسیار ملموس تر از بهشت بوده است و این موضوع می تواند ناشی از تعلیم و تربیتی باشد که توسط اطرافیان به کودکان القا می شود. با در نظر گرفتن اشتراکات نقاشی ها می توان نتیجه گرفت بیشتر کودکان از جهنم تفسیر بهتر، واضح و گویاتری نسبت به بهشت و موضوعات پیرامون آن دارند. عواملی مانند ترسانیدن کودک از جهنم با هدف اجتناب او از اعمال نادرست یا تکرار بیش از حد در پرداختن به مقوله جهنم می تواند در شکل گیری این دیدگاه مؤثر بوده باشد. بنابراین به نظر می رسد تعلیم آموزه های مذهبی توسط اطرافیان در سنین شکل گیری و رشد کودک نیازمند بازنگری اساسی و جدی است. از سوی دیگر بیان غیرمستقیم مفاهیمی مانند جهنم بسیار نتیجه بخش تر از بیان مستقیم آن خواهد بود. همچنین تکرار مفاهیم مثبت و امیدبخش مانند بهشت علاوه بر نزدیک تر کردن کودک به خدا، به ملموس تر شدن مفهوم نیکی در ذهن او منجر خواهد شد. در تعلیم و آموزه های دینی اسلام و اهم آنها قرآن نیز واژه بهشت و جهنم به دفعات مساوی آورده شده است (هرکدام ۷۷ بار). بنابراین تأکید یکی بر دیگری اساساً سازگار با اعتقادات مذهبی مسلمانان نیست و اگر این تأکید روی واژه جهنم باشد آشکارا با رحمانیت خداوند متعال که در قرآن و احادیث به کرات به آن تأکید شده است در تضاد است. بزرگ تر جلوه دادن جهنم برای کودکان نه تنها تأثیر مثبتی در تربیت آنها نخواهد داشت بلکه ممکن است به مبارزه منفی با دین بینجامد که با بالاتر رفتن سن کودک به طرق گوناگون بروز می یابد. نتایجی از این دست در تصویرگری کتب مذهبی کودکان نیز باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که تصویر در کتاب های کودکان نقش قابل توجهی در درک آنها از موضوعات ایفا می کند.

۱-براساس نتایج به معلمان پیشنهاد می شود:

۱-افزایش مطالعات و توانایی های خود برای تربیت بهتر دانش آموزان. ۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و بکارگیری این ابعاد در تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان. ۳. ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته های کتاب. ۴. تغییر شیوهی ارزشیابی دروس دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم. ۵. استفاده از داستان و ارائه ی الگو در جهت درک بهتر معارف دین. ۶. گروه بندی دانش آموزان برای افزایش اختیارات و عزت نفس آنها.

۲-براساس نتایج به خانواده ها پیشنهاد می شود:

۱-نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آنها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست. ۲. همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روضه ها و جلسات دینی. ۳. افزایش مطالعات در زمینه ی دین و تربیت دینی و زمینه سازی در فرزندان جهت آمادگی برای پذیرش دین.

۳-به دلیل آن که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره ابتدایی، معلم نقش اصلی و اساسی دارد، معلمان دینی باید علاوه بر آگاهی صحیح از دین اسلام و التزام عملی به ارزش های اسلامی، با ویژگی های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودک که موضوع روان شناسی رشد کودک است آشنا باشند تا بتوانند معارف اسلامی، به ویژه مفاهیم اعتقادی را به نحوی مؤثر به کودکان آموزش دهند.

۴- نظر به ویژگی های رشد روانی در این دوره، طرح جنبه های استدلالی معارف اعتقادی به کودکان دبستانی کار درستی نیست و شایسته است آموزگاران در آموزش مفاهیم دینی و اعتقادی بیش تر پی آمدهای دنیایی و آخرتی اعتقادات اسلامی را با استفاده از اصول و روش های آموزشی مناسب این دوره مورد توجه و گوشزد قرار دهند.

۵- از آن جا که دانش آموزان در دوره ابتدایی، (به ویژه در سال های اول) با امور حس شدنی و ملموس سر و کار دارند، پیشنهاد می شود معلمان دینی کودکان در تدریس و آموزش توحید، معاد و جلوه های نظم و هدفمندی طبیعت، از ابزارهای کمک آموزشی همچون عکس، اسلاید و فیلم های آموزشی استفاده نمایند.

۶- برای حفظ نشاط و شادابی کودکان در آموزش مفاهیم دینی، پیشنهاد می شود از شیوه های تشویقی متناسب با روحیه کودکان، بجا و بموقع استفاده شود و از برخوردهای تند و خشن پرهیز گردد.

منابع:

- اسمعیلی، تاجیک و حسین نژاد، و عبادی مایین بلاغ، عارف، (۱۳۹۵)، آسیب شناسی تربیت دینی در برنامه درسی پنهان مدارس متوسطه نظری و ارایه راهکارهایی برای بهبود آن، همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران
- اشمیت، ریچارد، اشمیت، سرآغاز پدیدارشناسی، ترجمه شهرام پازوکی (۱۳۷۵)، فرهنگ، ش ۱۸، ص ۹-۲۷.
- آلن، داگلاس (۱۳۷۵)، پدیدارشناسی دین، در: دین پژوهی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باهنر، ناصر (۱۳۹۷)، آموزش مفاهیم دنی همگان با روان شناسی رشد. (چاپ نهم)، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- پناهی، محمدحسن (۱۳۹۷)، بررسی نقش آموزش های دینی در سلامت فردی و اجتماعی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد، ۲(۱۵).
- خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شوکھی یکتا، محسن (۱۳۹۸)، گستره پژوهش های روانشناختی در حوزه دین، فصلنامه اندیشه و رفتار، شماره ۲۴.
- خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۹۳)، شرح غررالحکم و دررال حکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۳)، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم: دفتر نشریات معارف.
- روشن، فاطمه، (۱۴۰۰)، نقش معلم و مدرسه بر باورهای دینی دانش آموزان، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی، مروتدشت
- صاحبی، علی (۱۳۹۹)، مناسبات دین و فرهنگ: تهران، ۱، ج وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- طائیان، زهرا (۱۳۹۹)، آموزش مفهوم خدا به کودک، مجله کودک، ۶۷، ۵۴-۵۲.
- مرتضوی، سید رحمان (۱۳۹۶)، بررسی و نقد رویکرد پدیدارشناسی دینی هانری کربن، فصلنامه اندیشه دینی، ۶۳(۱۷)،
- مکیلانی، حسین؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان (۱۳۹۷)، تحلیل پدیدارشناسی باورهای دینی دانش آموزان و ارائه راهکارهایی برای کاهش چالش ها و آسیب های موجود، فصلنامه دین و ارتباطات، ۱(۲۵)، ۱۹۲-۱۵۷.
- یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ کهنسال، مکرری زاده، فهیمه (۱۳۹۱)، پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا(ع)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۶(۳)، ۱۹۸-۱۸۰.
- Barman, A. (2018), Does Religion Buffer the Effects of Discrimination on Mental Health? Differing Effects by Race. Journal for the Scientific Study of Religion, 45 (4):551-565 .
- Borg, w., & Gall, M. (2003), Educational research, 6th edition. Boston: Allyn-Bacon.
- Brice, C. (2018). The lamb's book of life. Indiana: Author House publication.
- Bright, B. (2017). Discover God Bible. United States of America: Group publishing

- Brown, L.B. (1987), *The Psychology of Religious- Belief-* Academic Press.
- Chigona, A., & Chignons, W. (2010), *A Phenomenological Study on Educators, perceptions and utilization of ICT in Disadvantaged schools*. Retrieved from.
- Chou, F.Y., Holzemer, W.L., Portillo, C.J., & Slaughter, R. (2004), *Self-care strategies and Sources of information for HIV/AIDS symptoms management*. Nursing Research.
- Cohen, A., Pierce, J.D., Chambers, J., Meade, R., Corvine, B.J., & conic, H.G. (2005), *Intrinsic and extrinsic Religiosity, belief in the Afterlife, death Anxiety, and life Satisfaction in young Catholics and Portestan*. *Journal of in personality*, 39(3), 307-324
- Creswell, J. (2007), *Qualitative inquiry and research design*. Sage Publications.
- Devenish, S. (2002), *An Applied Method for Undertaking phenomenological Explication of Interview Transcripts*, *Indo-pacific Journal of phenomenology*. Vol. 2. Edition 1.
- Esperanza, F., Hernandez Pamela F., Foley B., & K., Beitin. (۲۰۲۰), *A Phenomenological Study of Study of Religion in Career Choice*. *Journal of Career Development*. 38(1), 62- 88.
- From, E. (2002), *Psychoanalysis Religion*. Publishing an morvared, 1st Edition.
- Fulton, A.S. (1997), *Identity status, Religious- Orientation, and Prejudice - Journal of Youth and Adolescence* .2, 61.
- Glock, C., & Stark, R. (1965), *Religion and society in tension*. Chicago: Rand McNally.
- Gorsuch, R.L. (1988), *Psychology of Religion*. *Annual Reviews of Psychology*.
- Goldman, R. (1964). *Religious Thinking from Childhood to Adolescence*. London: Rutledge & Regan Pool Publication.
- James, William, (1902), *the varieties of religious*, New York, London, Green.
- Klein, p., & Westcott, M. (1994), *the changing character of phenomenological psychology*; 35(2), 133-157
- Lindlof, T.R., & Taylor, B.C. (2011), *Qualitative communication research methods*. London: SAGE.
- Polkinghorn, D. (1983), *Methodology for the human scienes; Systems of inquiry*, Albany: state University of New York press.
- Priest, H., Roberts, P., & Woods, L. (2002), *An Overview of Tree Different Approaches to the Interpretation of Qualitative Data; part1: Theoretical Issues, Qualitative Approaches Nurse Researcher*.
- Sander, A. (2014), *the phenomenological method revisited: towards comparative studies and non-theological interpretations of the religious experience*. *Argument*, 4(1), pp. 9–34.
- Sinhala, J.W., Canaan, R.A., & Gelles, R.J. (2007), *Adolescent risk behaviors and religion: Findings from a national study*. *Journal of Adolescence*. 30(2), 231-۲۴۹ .
- Spielberg, *phenomenological Movement*, pp 7-19. Sokolowski, R. (2014), *the Relation of Phenomenology And Thematic Metaphysics To Religion*. *The Review Of Metaphysics* .67, 603-626.